

سیستم آموزشی رتبه‌داری تحصیلی دانش آموزان

تحصیلی

می‌اند که گویا جزء لاینفک تحصیل به نظر می‌رسند. و توقع بالای خانواده‌ها دارند و گاه در توان مالی ن سال‌های زندگی نوجوان به شمار می‌آید، بعضاً با نه نظر می‌آید که برای داشتن درک روشن‌تری از این شد و این بار همه چیز را از نگاه او دیده.

سال آخر

تیرماه است و او برخلاف هر سال، تابستانش را نه با سفر، بلکه می‌خواهد با درس شروع کند. متلاطم و بی‌خبر از راهی که پیش رو دارد، به دنبال راهنمایی‌گردد. کسی که به او یاد بدهد راه را از کجا آغاز کند، چه اندازه درس بخواند، تست بزند و همین ندانستن‌ها، استرس عجیبی را به او می‌دهد. در این بین هم هر کس توصیه‌ای جداگانه دارد.

بعضی از مشاورهای اینستاگرامی از اهمیت تکنیک‌های تست‌زنی می‌گویند که در این دنیا، فقط خودشان از آن باخبرند. آموزشگاه‌ها ادعا دارند که بیشتر رتبه‌های برتر، از آنجا فارغ‌التحصیل شده‌اند و برخی اساتید هم تدریس دیگران را مردود می‌دانند و خودشان را عالم دهر! همین‌ها سبب می‌شود که او به عنوان دانش‌آموز کنکوری، احساس کند در راهی مهم و ناشناخته قرار گرفته که هیچ اطلاعاتی درباره آن ندارد.

انواع و اقسام موسسه‌ها و مشاوره‌های کنکور به او معرفی می‌شود و او ناچار به گزینش است و این بار جیب پدرش معیار انتخاب است. هر قدر که خانواده توان مالی بیشتری داشته باشد، او را بهتر راهنمایی می‌کنند و اساتید بهتری برای او تدریس.

۲ قدم مانده به کنکور

– بچه‌ها به قدم آخر رسیدید. دو ماه تا کنکور مونده و می‌تونید با پکیج‌های ما به قبولی‌های... صدای موبایلش را کم می‌کند و اینستاگرام را می‌بندد. هر طرف که می‌رود، حرف از کنکور است و پکیج‌هایش! از اول سال همین بساط است. هزار و یک کلاس رفته است؛ با دو مشاور همزمان در ارتباط بوده و طی سال، پکیج‌های تابستان، عید و هر چه گمان می‌کرده او را به پزشکی نزدیک می‌کند، تهیه کرده است. سه سال است که واژه «کنکور» را از زبان مدیر و مشاور و معلم می‌شنود و آن قدر کلیپ‌های انگیزشی دیده که همه را از بر است. صبح‌ها با هول و هراس این که مبادا دیرتر از بقیه شروع کند، از خواب بلند می‌شود و تا شب به هر فلاکتی که هست، درس می‌خواند و با خودش عهد بسته که به هیچ نحوی تسلیم نشود. یاد گرفته از بعضی خوشی‌هایش چشم‌پوشد تا در عوض به هدفش برسد؛ حتی اگر دلش برای سفری بی‌دغدغه، خیلی تنگ شود. به‌رغم این که میل زیادی به رشته‌اش ندارد، با تمام همتش تلاش می‌کند که این سه سال عذاب‌کشیدنش به هدر نرود. مادر و پدرش به سختی و با هزار امید و آرزو، برای او و کلاس‌هایش پول خرج کرده‌اند و نمی‌خواهد ذره‌ای شرمندانه شود، ولو به قیمت خستگی و استرس‌های فراوانی که تحمل می‌کند!

نقطه پایان

از کنکور گذر کرده بود، ساعت‌ها در سایت سنجش، کلافه و منتظر مانده بود تا رتبه‌اش را ببیند و نقطه پایان راه، انتهای تمام دلهره‌ها و اضطراب‌هایش بگذارد؛ اما از قضا، رتبه‌اش آن چیزی نیست که باید! خانواده‌اش طور دیگری از او توقع داشتند و حالا هیچ توضیحی برای آنها ندارد. تنها چیزی که به آن اطمینان دارد، این است که او همه تلاشتش را کرده است. به دوست و فامیل‌هایی که بی‌هواپیدایشان می‌شود و پیگیر رتبه او هستند هم همین را می‌گوید که «من همه تلاشم را کردم». و به‌رغم همه حس‌های بدی که تجربه می‌کند، راضی است و حداقل تلاش می‌کند که این طور به نظر برسد. و حال، جدای از هر چیزی، مانع تازه‌ای به نام «انتخاب رشته» بر سر راهش سبز شده که تابستان را برایش زهر می‌کند. مسأله‌ای که شنیده بوده، می‌تواند اوضاع تحصیلی‌اش را به طور کلی دگرگون کند و باز هم باید دنبال مشاوره بگردد که بتواند او را راهنمایی کند و دوباره ناچار به انتخاب است. و اگر شانس با او یار باشد و در تله کلاه‌برداران نیفتد، پولش را هدر ندهد و انتخاب رشته خوبی داشته باشد و از میان ۱۵۰ انتخاب پیش‌رویش، دقیقاً همان چیزی قبول شود که علاقه و توانمندی‌اش را دارد، می‌توان گفت که از این مرحله هم عبور کرده است؛ در غیر این صورت تا چهار سال بعد با تبعات این آزمون چهارساعتی دست به گریبان است.



گردآوری
فاطمه کریمی



آنلاین درس خوندم و حضوری امتحان دادم، این عمق فاجعه بود. / **مبینا خواجه امیری از تهران** مهم‌ترین چالش هدایت تحصیلی من موندن سر دوراهی انتخاب دورشته با دو مسیر و دو آینده متفاوت بود. /

دنیا امیری از تهران

راهنمای درستی در کار نبود و خودم مجبور به آزمون و خطا شدم. / **فاطمه**

فرجی از فارس

نمی‌فهمیدم واقعا باید چی کار کنم. / **زینب شفیع نادری**

از یزد

عقلم می‌گفت ریاضی و منطق رو به کار بگیر اما دلم پیش دوستا ورشته علوم انسانی بود. / **فاطمه** حق فروش از تهران

ثابت کنم سمپادی‌ها هم می‌تونن هنر بخونن. /

شیمیا مختاری از همدان

تنها کسی بودم که در انتخاب، نقشی نداشتم. /

پریا احمدی از باینگان کرمانشاه

مشاورمون فقط بلد بود بگه آگه بیای تو این رشته، موفقی اما به استعداد و علاقه مون اصلاً توجهی

نداشت. / **ریحانه شیرزادیان از تهران**

همه می‌گفتن این استعدادته ولی من به چیزی که اصلاً بهم نمی‌ومد، اصرار داشتم. / **فاطمه زهرا**

سبحانی از تهران

اطرافیان سعی داشتن از استرسم کم کنن درحالی که خودشون منشأ دلهره‌های من بودن. / **زهرا**

نقوی از همدان

از هفت‌خان مامانم رد بشم تا بتونم اون چیزی رو که می‌خوام برم. / **سیده فاطمه پورسلطانی**

از فارس

داشتم برم رشته تجربی اما در یک آن، ته رفتم رشته انسانی. نکته جالبش هم ت که کم‌کم عاشق ادبیات شدم و برای بی‌میرم. / **ساجده وطن‌خواه از کرمان** ک کرونا درس نخوندم و اقی تحصیل می‌فهمیدم. / **فاطمه سادات امیری از زرنند** به زور می‌خواست بفرستم تجربی، ولی من به انسانی بود. / **ریحانه رضایی از**

هدایت تحصیلی، دچار گمراهی تحصیلی

فاطمه جباری از تهران

ما فقط آینده رو در درس خوندن تو تجربی

عارفه مهربانی از اصفهان

صواب دادن به اون همه سؤال، آخرشم م که تو چی استعداد دارم. / **فاطمه زهرا** از تهران